

## نامه‌ی علی □ به شیعیانشان و گونه تقطیع شده آن در نهج البلاغه

حمیدرضا صراف\*

### چکیده

*نهج البلاغه* یکی از کتب مهم حوزه معارف اسلامی است که سیدرضی، نویسنده آن، برخی از کلمات حضرت علی □ را در آن جمع آوری کرده است. این کتاب - که از زمان نگارش آن تا کنون مورد توجه قرار داشته - با کاستی‌هایی نیز روبه‌روست که آورده شدن برخی از کلام‌ها به صورت تقطیع شده در این کتاب، یکی از آنهاست. در این مقاله به معرفی نامه‌ای از حضرت علی □ - که قسمت‌هایی از آن به صورت قطعه قطعه در *نهج البلاغه* آمده است - پرداخته شده و پس از شناسایی قطعه‌های آورده شده در *نهج البلاغه*، به برخی از پیامدهای این تقطیع اشاره شده است. کلید واژه‌ها: علی □، نهج البلاغه، سید رضی، استناد، تقطیع.

### درآمد

کلام حضرت علی □، اعم از خطبه‌ها، نامه‌ها و غیره، در زمان خود حضرت و پس از ایشان مورد توجه بوده است و کتاب‌هایی نیز در این باره نگاشته شده است.<sup>۱</sup> یکی از این کتاب‌ها توسط سید رضی با عنوان *نهج البلاغه* به نگارش درآمده که بنا بر گفته خود سید رضی، همه کلمات حضرت □ در آن جمع‌آوری نشده است.<sup>۲</sup> هر چند این کتاب، نوشته‌ای مهم در این حوزه است، لیکن با کاستی‌هایی نیز روبه‌روست که عدم ذکر سند برای بسیاری از کلمات در این کتاب یکی از آنهاست که قرن‌ها بعد، کتاب‌هایی نیز برای جبران این مسأله به نگارش درآمده است.<sup>۳</sup> آوردن برخی از کلمات علی □ در این کتاب، به صورت تقطیع<sup>۴</sup> شده، از کاستی‌های دیگر این کتاب است که برای جبران این مورد نیز فعالیت‌هایی از جانب برخی محققان صورت پذیرفته است.<sup>۵</sup> در این مقاله نامه‌ای از حضرت علی □ معرفی می‌شود که قطعه‌هایی از آن، به‌طور پراکنده، در *نهج البلاغه*

\* دانشجوی دکتری قرآن و حدیث دانشگاه تهران.

1. برای اطلاع از برخی از کتاب‌ها در این باره، ر.ک: *مصادر نهج البلاغه و اسانیده*، ص 61-104؛ *المدخل إلى علوم نهج البلاغه*، ص 203-210.
2. ر.ک: *نهج البلاغه*، مقدمه مؤلف.
3. برای مثال، ر.ک: *مصادر نهج البلاغه و اسانیده؛ استناد نهج البلاغه*.
4. در باره تقطیع، ر.ک: *الرعاية*، ص 155-156؛ *مقیاس الهدایة*، ج 3، ص 254-257.
5. برای مثال، ر.ک: *نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه؛ تمام نهج البلاغه*.

آورده شده است. این نامه - که در نزد بسیاری از علاقه‌مندان تاریخ و سیره علیؑ شناخته شده نیست - از جهات زیادی قابل توجه است؛ از جمله این که از بخش‌هایی از آن، تاریخ تحلیلی مختصری برای دوره خلفای سه‌گانه و نیز حکومت علیؑ تا زمان نوشته شدن نامه است. نیز این نامه، هم در مستند کردن برخی از کلمات *نهج البلاغه* و هم در جبران برخی از قسمت‌های آن - که به صورت تقطیع شده آمده - مؤثر است. در این نوشتار، صرف‌نظر از این که تقطیع این نامه توسط خود سید رضی انجام شده و یا این که وی این نامه را به صورت تقطیع شده یافته و آن را نوشته است، جایگاه قطعه‌هایی از این نامه در *نهج البلاغه* تبیین شده و به برخی از پیامدهای این تقطیع اشاره شده است. شایان ذکر است که موضوع این نوشتار، بررسی همه‌جانبه مسأله تقطیع در *نهج البلاغه* نیست، بلکه بررسی موردی است و راه تحقیق بیشتر در باره این موضوع و نیز نقد این نوشتار مفتوح است.

### نامه‌ای از حضرت علیؑ به شیعیانشان

در برخی از منابع، به نامه‌ای از حضرت علیؑ خطاب به شیعیانشان پس از فتح مصر و قتل محمد بن ابی بکر اشاره شده است که در پی سؤال برخی از افراد از نظر ایشان در باره خلفای سه‌گانه نوشته شده است. این نامه به صورت کامل و یا بخشی از آن در چندین منبع ذکر شده است. از منابعی که این نامه را به صورت کامل ذکر کرده‌اند، می‌توان به *الغارات*<sup>۶</sup> ابراهیم بن محمد ثقفی (م 283ق)، *الامامة والسياسة* ابن قتیبه (م 276ق)، *كشف المحجة* سید بن طاووس (م 664ق) و *معادن الحكمة* محمد بن محسن کاشانی (م 1115ق) اشاره کرد<sup>۷</sup> که دو کتاب آخر، نامه را به نقل از *الرسائل* شیخ کلینی<sup>۸</sup> (م 329ق) آورده‌اند. و از منابعی که بخش‌هایی از این نامه را، نه به شکل کامل، ذکر کرده‌اند، می‌توان به *المستترشد* ابن جریر طبری (متوفای اوایل قرن چهارم هجری) اشاره کرد<sup>۹</sup>. یکی از نکات جالب در باره این نامه این است که بر اساس برخی از گزارش‌ها، حضرت علیؑ امر کردند که این نامه با حضور تعدادی از اصحابشان - که مشخص فرموده بودند - هر روز جمعه خوانده شود. در کتاب *الرسائل* شیخ کلینی آمده است:

عن علی بن ابراهیم با سنده قال: كتب امير المؤمنينؑ كتاباً بعد منصرفه من النهروان و أمر أن يقرأ علي الناس، و ذلك أن الناس سألوه عن أبي بكر و عمر و عثمان، فغضبؑ و قال: «قد تفرغتم للسؤال عما لا يعنكم و هذه مصر قد انفتحت و قتل معاوية ابن خديج و محمد بن ابی بکر، فيالها من مصيبة ما أعظمها بمصیبتی بمحمد، فوالله ما كان إلا كعبض

6. علامه مجلسیؑ و ابن ابی الحدید این نامه را به نقل از *الغارات* آورده‌اند. ر.ک: *بحار الأنوار*، ج 33، ص 566 - 573؛ *شرح نهج البلاغه*، ج 6، ص 94 - 100.  
7. ر.ک: *الغارات*، ج 1، ص 302 - 322؛ *الامامة والسياسة*، ج 1، ص 154 - 159؛ *كشف المحجة*، ص 236 - 269؛ *معادن الحكمة*، ج 1، ص 149 - 170.  
8. کتاب *الرسائل* شیخ کلینی مفقود است.  
9. ر.ک: *المستترشد*، ص 409 - 426.

بنی سبجان الله بینا نحن نرجو أن نغلب القوم على ما في أيديهم إذ غلبونا على ما في أيدينا و أيدينا و أنا كاتبٌ لكم كتاباً فيه تصريح ما سألتهم - إن شاء الله تعالى -». فدعا كاتبه عبيد الله بن أبي رافع، فقال له: «أدخل عليّ عشرة من ثقاتي». فقال: سمهم لى يا اميرالمؤمنين! فقال: «ادخل أصبغ بن نباتة، و ابا الطفيل عامر بن وائلة الكناني، و رزين بن حبيش الأسدی، و جویریة بن مسهر العبدی، و خندف بن زهير الأسدی و حارثة بن مضرب الهمدانی، و الحارث بن عبدالله الأعور الهمدانی، و مصباح النخعی، و علقمة بن قیس، و کمیل بن زیاد، و عمیر بن زرارة»، فدخلوا عليه، فقال لهم: «خذوا هذا الكتاب، و ليقراه عبيدالله بن أبي رافع و أنتم شهود كل يوم جمعة، فإن شغب شاغب عليكم فانصفوه بكتاب الله بينكم و بينه: بسم الله الرحمن الرحيم من عبدالله على أميرالمؤمنين إلى شيعته من المؤمنين و المسلمين...».

در باره این که پرسش کنندگان که بوده‌اند، ابن قتیبه آنان را حجر بن عدی، عمر و بن الحکم و عبدالله بن وهب را سببی معرفی می‌کند.<sup>11</sup> ثقیفی آنان را بیش از سه تن معرفی کرده،<sup>12</sup> لیکن بر اساس هر دو نقل، حجر بن عدی و عمرو بن الحکم در زمره پرسش کنندگان بوده‌اند.

#### قطعاتی از نامه‌ی علی □ به شیعیانشان در نهج البلاغه

در نهج البلاغه قطعاتی از نامه مذکور، به صورت پراکنده، آمده است که در این قسمت به مواضع آنها، بر اساس احصای راقم این سطور، اشاره می‌شود:  
- خطبه 26<sup>13</sup>: «إن الله بعث محمداً نذيراً للعالمين... و استشعروا الصبر فإنه أدعى إلى النصر».

- بخشی از خطبه 172: «و قال قائلٌ إنك على هذا الأمر يا ابن ابی طالب لحريصٌ... دَع ما أَنهم قد قتلوا مِنَ المسلمین مثل العدة التي دخلوا بها عليهم».

- خطبه 217: «اللهم إني استعديك على قریش... و صبرت من كظم الغيظ على أمر من العلقم و ألم للقلب من و خز الشَّفار».

- خطبه 218: «فقدموا على عمالي و خزائن بيت مال المسلمين... و طائفة عضوا على أسيافهم فضا ربوا بها حتى لقوا الله صادقين».

- نامه 62: «أما بعد، فإن الله سبحانه بعث محمداً نذيراً للعالمين... و إن أخوا الحرب الأرق و من نام لم ينم عنه و السلام».

تمام موارد فوق در منابعی که نامه‌ی علی □ به شیعیانشان به صورت نامه‌ای کامل آمده است، هر چند با تفاوت، جزء محتویات آن نامه است و در مصادر کلمات علی □، تا جایی که بررسی شد، به موضوعی غیر از موضوع مذکور مستند نشده است.<sup>14</sup> در نهج

10. ر.ک: كشف المحجة، ص 235 - 236.

11. ر.ک: الامامة والسياسة، ج 1، ص 154.

12. ر.ک: الفارقات، ج 1، ص 302.

13. متن و شماره‌ها بر اساس نسخه صبحی صالح است.

14. غیر از یک مورد که به اشتباه، استناد داده شده و در ادامه مقاله بررسی خواهد شد.

*البلاغه*، جدای از موارد یاد شده، مواردی نیز وجود دارد که محتمل است در اصل از این نامه أخذ شده باشد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- خطبه 30: «لَوِ أَمَرْتُ بِه لَكُنْتُ قَاتِلًا... وَ لِلَّهِ حَكْمٌ وَاقِعٌ فِي الْمَسْأَلِ وَالْجَارِعِ».<sup>15</sup>
- خطبه 229: «وَ بَسَطْتُمْ يَدِي فَكَفَفْتَهَا وَ مَدَدْتُ تَمَومَهَا فَفَقِضْتُهَا تَمَّ تَدَاكُكْتُمْ عَلَي تَدَاكِ الْإِبِلِ الْهَيْجِ... وَ تَحَامَلَتْ نَحَومَهَا الْعَلِيلُ وَ حَسَرْتُ إِلَيْهَا الْكِعَابِ».<sup>16</sup>
- حکمت 166: «لَا يَعْابُ الْمَرْءُ بِتَأْخِيرِ حَقِّهِ إِنَّمَا يَعْابُ مِنْ أَوْخُذٍ مَا لَيْسَ لَهُ».<sup>17</sup>
- حکمت 169: «قَدْ أَضَاءَ الصَّبِيحُ لَذِي عَيْنِينَ».<sup>18</sup>
- حکمت 202: «لَا وَ لَكُنْتُمْ شَرِيكَانَ فِي الْقُوَّةِ وَ الْإِسْتِعَانَةِ وَ عَوَانِ عَلَي الْعِجْزِ وَ الْأَوْدِ».<sup>19</sup>

تک تک موارد فوق، هر چند در برخی از منابعی که نامه علی<sup>ع</sup> به شیعیانشان ذکر شده، وجود ندارد، لیکن در برخی از منابعی که نامه مذکور آمده است، جزء محتوای نامه آمده است (هرچند با تفاوت) و قطعات مذکور در *نهج البلاغه* ممکن است از یکی از نقل‌های این نامه گرفته شده باشد. این نکته قابل توجه است که برخی از قسمت‌های نامه مذکور در موقعیت‌های دیگری نیز از جانب علی<sup>ع</sup> نقل شده است<sup>20</sup> و موارد فوق نیز ممکن است از کلام ایشان در مواضعی دیگر أخذ شده باشد.

#### اشتباه برخی از محققان در منبع‌یابی

برخی از محققان *نهج البلاغه*، خطبه 238 را از جمله مواردی معرفی کرده‌اند که از نامه علی<sup>ع</sup> به شیعیانشان تقطیع شده است.<sup>21</sup> این، در حالی است که حداقل، اکثر این خطبه قسمت‌هایی از خطبه‌ای است که حضرت علی<sup>ع</sup> پس از شنیدن حیلۀ عمرو بن العاص با ابوموسی اشعری بیان کردند.<sup>22</sup> هر چند قسمت ابتدایی خطبه (جفأة طغام و عبید أقزام... و لا من الذین تبوؤوا الدار) و نیز جمله انتهایی خطبه، (ألا ترون إلی بلادکم تُغزى و إلی صفاتکم تُرمی)، با قسمت‌هایی از نامه علی<sup>ع</sup> به شیعیانشان تشابه دارد؛ لیکن در همین بخش‌ها نیز قطعاتی، مانند: (عبید أقزام) و (لا من الذین تبوؤوا الدار)، در هیچ یک از منابع قابل دسترسی - که نامه به‌صورت کامل ذکر شده است - وجود ندارد و نیز قسمت‌های زیادی از این خطبه، (ألا و إِنَّ الْقَوْمَ اخْتَارُوا لِأَنْفُسِهِمْ أَقْرَبَ الْقَوْمِ مِمَّا تَحْبُونَ... فَادْفَعُوا فِي صَدْرِ عَمْرُو بْنِ الْعَاصِ بَعْدَ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ وَ خَذُوا مَهْلَ الْأَيَّامِ وَ حُوطُوا قَوَاصِي الْإِسْلَامِ)، در نامه علی<sup>ع</sup> به شیعیانشان وجود ندارد.

15. ر.ک: *کشف المحجّة*، ص 250-251 (با تفاوت‌هایی).
16. ر.ک: همان، ص 251 (با تفاوت‌هایی)؛ *الغارات*، ج 1، ص 310 (با تفاوت‌هایی)؛ *المستتر*، ص 418 (با تفاوت‌هایی).
17. ر.ک: *کشف المحجّة*، ص 248: (لیس يعاب...).
18. ر.ک: همان، ص 266: (و أضاء الصبح...؛ *الغارات*، ج 1، ص 317 (قد بین الصبح...)).
19. ر.ک: *کشف المحجّة*، ص 252 (با تفاوت‌هایی).
20. برای مثال، ر.ک: *مصادر نهج البلاغه و اسانیده*، ج 1، ص 410؛ *الارشاد*، ج 1، ص 244 - 245؛ *أنساب الأشراف*، ص 236؛ *الجمل*، ص 49؛ *بهج الصباغ*، ج 9، ص 516 - 517.
21. ر.ک: *مصادر نهج البلاغه و اسانیده*، ج 1، ص 410؛ ج 3، ص 176.
22. ر.ک: *تمام نهج البلاغه*، ج 4، ص 567 - 573.

### اشتباه در معرفی موضع صدور نامه

سید رضی □ در مورد نامه 62، آن را قسمتی از نامه علی □ به مصریان - که با مالک اشتر فرستاد - معرفی می‌کند؛ در حالی که نامه 62 قسمت‌هایی از نامه علی □ به شیعیان‌شان پس از سقوط مصر و کشته شدن محمد بن ابی بکر<sup>۲۳</sup> است و بر اساس قرآینی، قتل مالک اشتر قبل از سقوط مصر و کشته شدن محمد بن ابی بکر رخ داده است.<sup>۲۴</sup> در برخی از منابع به نامه علی □ به مسلمانان مصر - که همراه مالک اشتر فرستاده شد<sup>۲۵</sup> - اشاره شده است که از نظر متن با نامه علی □ به شیعیان‌شان بسیار متفاوت است. در این قسمت، یکی از روایات این نامه آورده می‌شود:

عن فضیل بن خدیج، عن مولی الأشر، قال: لَمَّا هَلَکَ الأَشْرُ وَجَدْنَا فِي ثِقَلِهِ رِسَالَةً عَلَیَّ إِلَى أَهْلِ مِصْرَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ عَبْدِ اللَّهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى النَّفَرِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ الَّذِينَ غَضِبُوا لِلَّهِ إِذْ عَصَى فِي الْأَرْضِ وَضَرَبَ الْجُورَ بِرِوَاقِهِ عَلَیَّ الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ فَلَاحِقٌ بِسِتْرِهِ إِلَيْهِ وَلَا مَنَكِرَ يَتَنَاهَى عَنْهُ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ، فَإِنِّي أَحْمَدُ إِلَيْكُمْ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، أَمَّا بَعْدُ، فَقَدْ وَجَّهْتُ إِلَيْكُمْ عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ لَا يَتِمُّ إِلَّا بِتَمَامِ الْخُوفِ وَلَا يَنْكَلُ عَنِ الْأَعْدَاءِ حَذَارِ الدَّوَائِرِ أَشَدَّ عَلَى الْكُفَّارِ مِنْ حَرِيقِ النَّارِ، وَهُوَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْرُ أَخُو مَذْحِجٍ فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا، فَإِنَّهُ سَيْفٌ مِنْ سَيُوفِ اللَّهِ لَا نَابِيَ الضَّرْبِيَّةِ وَلَا كَلِيلَ الْحَدِّ، فَإِنِ أَمَرَكُمْ أَنْ تَقِيمُوا فَأَقِيمُوا، وَإِنِ أَمَرَكُمْ أَنْ تَنْفَرُوا فَانْفَرُوا، وَإِنِ أَمَرَكُمْ أَنْ تَحْجَمُوا فَأَحْجَمُوا، فَإِنَّهُ لَا يَقْدَمُ وَلَا يَحْجَمُ إِلَّا بِأَمْرِي، وَقَدْ أَثَرْتَكُمْ بِهِ عَلَيَّ نَفْسِي لِنَصِيحَتِهِ وَشِدَّةِ شَكِيمَتِهِ عَلَيَّ عَدُوَّةً، عَصَمَكُمْ اللَّهُ بِالْحَقِّ وَثَبَّتَكُمْ بِالْيَقِينِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».<sup>۲۶</sup>

جالب است که خود سید رضی در نامه 38 نهج البلاغه نامه علی □ به مصریان را ذکر کرده است و در عنوان نامه نیز بیان کرده است که: «إِلَى أَهْلِ مِصْرَ لَمَّا وُلِّيَ عَلَيْهِمُ الْأَشْرُ □».

### منابع سید رضی □

صرف نظر از این که آیا سید رضی کل این نامه را در اختیار داشته و یا این که او نیز این نامه را به شکل تقطیع شده دیده است، مسلم است که سید رضی بخش‌هایی از این نامه را با بیش از یک روایت در اختیار داشته است و خود او به این موضوع اشاره کرده است. وی پس از خطبه 217 چنین می‌گوید: «این گفتار در اثنای خطبه‌ای پیشین گذشت، الا این که من آن را در این جا به دلیل اختلاف دو روایت تکرار کردم»: خطبه 217: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَعْدِيكَ عَلَيَّ قَرِيشٍ، فَإِنَّهُمْ قَدْ قَطَعُوا رَحْمِي وَأَكْفَأُوا إِنَائِي وَاجْمَعُوا عَلَيَّ مَنَازِعِي حَقًّا كُنْتُ أَوْلَى بِهِ مِنْ غَيْرِي، وَقَالُوا أَلَا إِنَّ فِي الْحَقِّ أَنْ تَأْخُذَهُ وَفِي

23. ربك: بهج الصباغة، ج9، ص423 - 424.

24. ربك: الغارات، ج1، ص254-302.

25. برای مثال، ربك: الامالي (مفيد)، ص81 - 82؛ الغارات، ج1، ص260-267.

26. ربك: الغارات، ج1، ص266 - 267.

الحقَّ أن تُمنعه، فاصبر مغموماً أو مُت متأسفاً (فَنظَرْتُ فَاذَا لَيْسَ لِي رَاغِدٌ وَ لَا ذَابٌ وَ لَا مَسَاعِدٌ إِلَّا أَهْلَ بَيْتِي، فَضَنَنْتُ بِهِمْ عَنِ الْمَنِيَةِ فَأَغْضَيْتُ عَلَى الْقَدَى وَ جَرَعْتُ رِيقِي عَلَى الشَّجَى وَ صَبَرْتُ مِنْ كَظْمِ الْغَيْظِ عَلَى أَمْرٍ مِنَ الْعَلَقَمِ وَ أَلَمٍ لِلْقَلْبِ مِنْ وَ خَزِ الشَّفَارِ) [وَ قَدْ مَضَى هَذَا الْكَلَامُ فِي إِثْنَاءِ خُطْبِهِ مُتَقَدِّمَةً، إِلَّا أَنِّي كَرَّرْتَهُ هَهُنَا لِاخْتِلَافِ الرُّوَايَاتِينَ].

جدای از این که آیا مقصود سید رضی قسمت اول یا دوم یا هر دو قسمت خطبه 217 است، لیکن هر دو قسمت این خطبه، با تفاوت‌هایی در خطبه 172 و 26 آمده است: خطبه 172: «... اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَعْدِيكَ عَلَى قَرِيْشٍ وَ مَنْ أَعَانَهُمْ، فَإِنَّهُمْ قَطَعُوا رَحْمِي وَ صَعَّرُوا عَظِيمَ مَنْزِلَتِي وَ أَجْمَعُوا عَلَى مَنَازَعَتِي أَمْرًا هَوْلِي، ثُمَّ قَالُوا أَلَا إِنَّ فِي الْحَقِّ أَنْ تَأْخُذَهُ وَ فِي الْحَقِّ أَنْ تُتْرَكَ...».

خطبه 26: «... فَنظَرْتُ فَاذَا لَيْسَ لِي مَعِيْنٌ إِلَّا أَهْلُ بَيْتِي فَضَنَنْتُ بِهِمْ عَنِ الْمَوْتِ وَ أَغْضَيْتُ عَلَى الْقَدَى وَ شَرِبْتُ عَلَى الشَّجَا وَ صَبَرْتُ عَلَى أَخْذِ الْكَظْمِ وَ عَلَى أَمْرٍ مِنْ طَعْمِ الْعَلَقَمِ...».

### انگیزه تقطیع

تقطیع این نامه توسط هر کسی که رخ داده باشد (خود سید رضی یا غیر او)، یکی از انگیزه‌های این تقطیع برخی ملاحظات مذهبی بین شیعه و سنی بوده است. بنا بر نقل این نامه در *الغارات* ثقفی، نام خلفای سه گانه، در مجموع، نه بار به شکل صریح، مطرح شده است؛<sup>27</sup> در حالی که در مجموع قطعات این نامه - که در *نهج البلاغه* آمده است - یکبار نیز نام خلفای سه گانه طرح نشده است و حتی یکمرتبه نیز نام خلیفه حذف شده و کلمه «فلان» جایگزین شده است؛ در صورتی که در تمام منابع در دسترس - که نامه به صورت کامل در آنها ذکر شده است - نام خلیفه، به شکل صریح، بیان شده است.<sup>28</sup> که در ذیل، برای مقایسه، متن *نهج البلاغه* و متن نامه به نقل از *الغارات* ثقفی آورده خواهد شد:

نامه 62 *نهج البلاغه*: «... فَمَا رَاعَنِي إِلَّا أَنْثِيَالُ النَّاسِ عَلَى فُلَانٍ يُبَايِعُونَهُ فَأَمْسَكْتُ يَدِي حَتَّى رَأَيْتُ رَاجِعَةَ النَّاسِ قَدْ رَجَعَتْ عَنِ الْإِسْلَامِ...».

متن *الغارات*: «... فَمَا رَاعَنِي إِلَّا أَنْثِيَالُ النَّاسِ عَلَى أَبِي بَكْرٍ وَ إِجْفَالِهِمْ إِلَيْهِ لِيُبَايِعُوهُ فَأَمْسَكْتُ يَدِي... حَتَّى رَأَيْتُ رَاجِعَةَ مِنَ النَّاسِ رَجَعَتْ عَنِ الْإِسْلَامِ...».<sup>29</sup>

### تلفیق قطعه‌هایی از نامه علی با برخی کلمات دیگر ایشان

برخی از قطعات نامه علی با شیعیان‌شان در *نهج البلاغه* با برخی دیگر از کلمات ایشان تلفیق شده است. در ابتدای خطبه 172 عبارت «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا تَوَارِي عَنْهُ سَمَاءٌ سَمَاءٌ وَ لَا أَرْضٌ أَرْضًا» آمده و پس از آن، قسمت‌های از نامه علی با شیعیان‌شان ذکر شده است؛ در حالی که عبارت مذکور در آغاز خطبه، از نامه مذکور نیست و به احتمال، قسمتی از خطبه‌ای است که علی پس از استیلای اصحاب معاویه بر برخی از

27. ربک: همان، ج 1، ص 305 - 310 و نیز نام خلفا 32 مرتبه در نقل *كشف المحجة* مطرح شده است ربک: *كشف المحجة*، ص 241-269.

28. برای مثال، ربک: *الغارات*، ج 1، ص 305؛ *كشف المحجة*، ص 241؛ *الامامة و السياسة*، ج 1، ص 155.

29. ربک: *الغارات*، ج 1، ص 305 - 306.

بلاد و بازگشت عبیدالله بن عباس و سعید بن نمران از یمن، در پی غلبه بَسر بن اَبی اَرطاة بر آنجا، بیان کردند.<sup>30</sup>

### برخی پیامدهای گونه تقطیع شده نامه

صرف نظر از این که تقطیع نامه علی □ به شیعیان نشان توسط خود سید رضی □ انجام شده و یا این که او نیز آن نامه را به صورت تقطیع شده یافته و آورده است، لیکن گونه تقطیع شده نامه علی □ در *نهج البلاغه* دچار پیامدهایی است که به برخی از آنان اشاره می‌شود:

#### 1. از دست رفتن ساختار طبیعی متن

در برخی از قطعه‌های نامه علی □، بدون این که به طور واضح مشخص شود که قسمتی حذف شده (مثلاً با ذکر «منها» یا «منه»)، قسمت‌هایی آورده نشده که به دو مورد آن اشاره می‌شود:

اول. در خطبه 172 *نهج البلاغه* آمده است: «... فَقَتَلُوا طَائِفَةً صَبْرًا وَ طَائِفَةً غَدْرًا، فَوَ اللَّهُ لَوْ لَمْ يُصِيبُوا مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا رَجُلًا وَاحِدًا...». این در حالی است که در تمام منابعی که این نامه را به شکل کامل آورده‌اند، قسمت‌های دیگری نیز در آن وجود دارد؛<sup>31</sup> برای مثال، در نقل *الغارات* آمده است: «... فَقَتَلُوا طَائِفَةً مِنْهُمْ غَدْرًا وَ طَائِفَةً صَبْرًا وَ طَائِفَةً عَصَبِيًا بِأَسْيَافِهِمْ فَضَارِبُوا بِهَا حَتَّى لَقُوا اللَّهَ صَادِقِينَ فَوَ اللَّهُ لَوْ لَمْ يُصِيبُوا مِنْهُمْ إِلَّا رَجُلًا وَاحِدًا...».<sup>32</sup> این نکته جالب است که در خطبه 218 *نهج البلاغه* قطعه مذکور با تفاوت‌هایی آمده است و قسمت‌های محذوف به شکلی دیگر آورده شده است: «... فَقَتَلُوا طَائِفَةً مِنْهُمْ غَدْرًا وَ طَائِفَةً عَصَبِيًا فَوَ اللَّهُ لَوْ لَمْ يُصِيبُوا مِنْهُمْ إِلَّا رَجُلًا وَاحِدًا...».<sup>33</sup>

دوم. در نامه 62 *نهج البلاغه* آمده است: «... أَلَا تَرَوْنَ إِلَى أَطْرَافِكُمْ قَدْ انْتَقَصَتْ وَ إِلَى أَمْصَارِكُمْ قَدْ افْتَتَحَتْ وَ إِلَى مَمَالِكِكُمْ تُزَوَّى وَ إِلَى بِلَادِكُمْ تُغْزَى انْفِرُوا، رَحِمَكُمُ اللَّهُ إِلَى قِتَالِ عَدُوِّكُمْ وَ لَا تَتَّقِلُوا إِلَى الْأَرْضِ فَتَقَرُّوا بِالْخَسْفِ وَ تَبُوءُوا بِالذَّلِّ وَ يَكُونُ نَصِيْبِكُمُ الْأَخْسَرُ وَ إِنَّ أَحَا الْحَرْبِ الْأَرْقُ وَ مَنْ نَامَ لَمْ يُنْمِ عَنْهُ وَ السَّلَامُ». این در حالی است که در دیگر منابع، قسمت‌های دیگری نیز موجود است<sup>34</sup> که به برخی از قسمت‌ها به نقل از *الغارات* اشاره می‌شود: «... أَمَا تَرَوْنَ [إِلَى] أَطْرَافِكُمْ قَدْ انْتَقَصَتْ وَ إِلَى أَمْصَارِكُمْ قَدْ افْتَتَحَتْ وَ إِلَى شِبَعَتِي بِهَا بَعْدَ قَدْ قُتِلَتْ وَ إِلَى مَسَالِحِكُمْ تَعْرَى وَ إِلَى بِلَادِكُمْ تَغْزَى وَ أَنْتُمْ دَوُو عَدُوِّ كَثِيرٍ وَ شَوْكَةٌ وَ بَأْسٌ شَدِيدٌ، فَمَا بِالْكُمْ بِلَهُ أَنْتُمْ مِنْ أَيْنَ تَوْتُونَ... فَانْفِرُوا خِفَافًا وَ ثِقَالًا وَ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ وَ لَا تَتَّقِلُوا إِلَى الْأَرْضِ فَتَقَرُّوا بِالْخَسْفِ وَ تَبُوءُوا بِالذَّلِّ وَ يَكُونُ نَصِيْبِكُمُ الْأَخْسَرُ إِنْ أَحَا الْحَرْبِ الْبِقِطَانِ الْأَرْقُ وَ مَنْ نَامَ لَمْ يَنْمِ عَنْهُ وَ مَنْ ضَعَفَ أَوْدَى وَ مَنْ تَرَكَ الْجِهَادَ [فِي اللَّهِ] كَانُ كَالْمُعْبُونِ

30. ربك: تمام نهج البلاغه، ج4، ص573.

31. برای مثال، ربك: *الغارات*، ج1، ص311؛ *كشف المحجة*، ص257؛ *الامامة والسياسة*، ج1، ص156.

32. ربك: *الغارات*.

33. برای مثال، ربك: همان، ج1، ص316 - 322؛ *كشف المحجة*، ص265 - 269؛ *الامامة والسياسة*، ج1، ص157-159.

34. متون داخل قلاب‌ها از محقق *الغارات* است.

المهین. اللهم اجمعنا و آياهم على الهدى و زهدنا و آياهم فى الدنيا و اجعل الآخرة خيراً لنا و لهم من الأولى و السلام»<sup>35</sup>.

## 2. از دست رفتن ساختار طبیعی متن به دلیل تقدیم و تأخیر

در برخی از مواضع گونه تقطیع شده نامه علی □ در نهج البلاغه تقدیم و تأخیر رخ داده است. در نامه 62 نهج البلاغه آمده است: «... إني، و الله لو لقيتم واحداً و هم طلاع الارض كلها ما باليت و لا استوحشت، و انى من ضلالهم الذى هم فيه و الهدى الذى أنا عليه لعلى بصيرة من نفسى و يقين من ربى... فإن منهم الذى قد شرب فيكم الحرام و جلد حداً فى الاسلام، و إن منهم من لم يسلم رخصت له على الاسلام الرضاخ، فلولا ذلك ما اكرثت تأليبكم و تانيبكم و جمعكم و تحريضكم و أترككم إذ أبيتم و و نيتم ألا ترون إلى أطرافكم قد انتقصت و إلى أمصاركم قد افتتحت و إلى مماكلكم تزوى و إلى بلادكم تغزى انفروا رحمكم الله إلى قتال عدوكم و لا تتأقلوا...». در حالی که در منابعی دیگر، از نظر تقدیم و تأخیر با متن نهج البلاغه متفاوت است. در الغارات آمده: «أما ترون [إلى] أطرافكم، قد انتقصت و إلى أمصاركم قد افتتحت... و إن فيهم لمن قد شرب الخمر و جلد الحد فى الاسلام... إني، و الله لو لقيتهم فرداً و هم ملء الارض ما باليت و لا استوحشت، و إنى من ضلالتهم التى هم فيها و الهدى الذى نحن عليه لعلى ثقة و بينة و يقين و صبر... و إني الله لو لا ذلك ما اكرثت تانيبكم... فانفروا خفافاً و ثقلاً و جاهدوا باموالكم و أنفسكم...»<sup>36</sup>.

## نتیجه

در برخی از منابع اسلامی به نامه‌ای از حضرت علی □ اشاره شده که بعد از سقوط مصر و کشته شدن محمد بن ابی بکر و در پی نظرخواهی از ایشان در باره خلفای سه گانه ایراد شده است. قطعه‌هایی از این نامه به صورت پراکنده در نهج البلاغه آمده است؛ صرف‌نظر از این که این تقطیع توسط چه کسی رخ داده است، یکی از انگیزه‌های این تقطیع برخی ملاحظات بین شیعه و سنی بوده است. گونه تقطیع شده نامه علی □ به شیعیان نشان در نهج البلاغه با پیامدهایی روبه‌روست که از دست رفتن ساختار طبیعی متن به دلیل حذف و تقدیم و تأخیر از جمله آن پیامدهاست.

## کتابنامه

- استناد نهج البلاغه، امتیاز علی خان عرشی، ترجمه: مرتضی آیت الله زاده شیرازی، تهران: امیر کبیر، 1363ش.
- الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد، محمد بن محمد مفید، بیروت: دار المفید، دوم، 1414ق.
- الأمالی، محمد بن محمد مفید، تحقیق: حسین اسناد ولی و علی اکبر غفاری، بیروت: دار المفید، چاپ دوم، 1414ق.
- الامامة و السياسة، عبدالله ابن قتیبة، قم: منشورات رضی و زاهدی، 1363ش.

35. ربک: الغارات.

36. ربک: ثقی، همان، ج 1 ص 316 - 322.



- *الرعاية لحال البداية في علم الدراية و البداية في علم الدراية*، زين الدين بن علي العاملي شهيد ثاني، قم: بوستان كتاب، اول، 1423ق.
- *الغارات*، ابراهيم ثقفى، تحقيق: محدث ارموى، تهران: انجمن آثار ملي، دوم، بيتا.
- *المدخل إلى علوم نهج البلاغة*، محسن باقر، بيروت: دار العلوم، چاپ اول، 1423ق.
- *المسترشد في الامامة*، محمد بن جرير طبرى، تحقيق: احمد محمودى، تهران: مؤسسة الثقافة الاسلامية لكوشانبور، اول، 1415ق.
- *انساب الاشراف*، يحيى بن جابر بلاذرى، تحقيق: محمدباقر محمودى، بيروت: دار المعارف للمطبوعات، اول، 1397ق.
- *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، محمدباقر مجلسى، بيروت: داراحياء التراث العربى، سوم، 1403ق.
- *بهج الصباغة في شرح نهج البلاغة*، محمدتقى شوشترى، تهران: اميركبير، اول، 1376ش.
- *تمام نهج البلاغه*، صادق موسوى، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، اول، 1426ق.
- *شرح نهج البلاغة*، ابن ابى الحديد، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، قم: داراحياء الكتب العربية، اول، 1378ق.
- *كشف المحجة لثمره المهجة*، سيدبن طاووس، تحقيق: محمد حسون، قم: مكتب الأعلام الاسلامى، اول، 1412ق.
- *مصادر نهج البلاغة و اسانيده*، عبدالزهره حسيني الخطيب، بيروت: دار الزهراء، چهارم، 1409ق.
- *مقياس الهداية في علم الدراية*، عبدالله مامقانى، تحقيق: محمدرضا مامقانى، بيروت: مؤسسة آل البيت □ لاحياء التراث، اول، 1411ق.
- *نهج البلاغة*، سيد رضى موسوى، ترجمه: سيد جعفر شهيدى، تهران: علمى و فرهنگى، سيزدهم، 1377ش.
- *نهج السعادة في مستدرک نهج البلاغة*، محمدباقر محمودى، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، 1385ق.